

تحلیل روابط بینامتنی قرآن کریم و زیارت عاشورا در موضوعات سلام و لعن

صدیقه گیوی^۱

چکیده

بینامتنیت از موضوعات کاربردی در حوزه مطالعات ادبی است که روابط بین دو متن را با تحلیل‌های متفاوتی مورد بررسی قرار می‌دهد. ژنت از مشهورترین نظریه‌پردازانی است که انواع روابط بینامتنی را طبقه‌بندی و تحلیل کرده است. بر اساس بینامتنیت متون ادبی در خلأ خلق نمی‌شوند؛ بلکه هر متنی، هم به لحاظ زبان‌شناختی و هم به جهت معناشناسی، وام‌دار متون قبل از خود است و به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از آن متون الگو گرفته و بهره برده و پیوند ناگسستنی با آنها دارد. از آنجا که قرآن و عترت علیهم‌السلام مهم‌ترین منبع هدایت و دستورالعمل کامل زندگی بشر هستند، مقاله حاضر با بهره گرفتن از روش تحلیل روابط بینامتنی در صدد پاسخگویی به این سؤال است که: ارتباط محتوایی سلام‌ها و لعن‌های قرآن و سلام‌ها و لعن‌های زیارت عاشورا چگونه تحلیل می‌شود؟ بر اساس نتایج پژوهش، زیارت عاشورا رابطه بینامتنی و زبان‌شناختی با متن قرآن کریم دارد و متعلق سلام‌ها و لعن‌های آن با سلام‌شدگان و لعن‌شدگان در قرآن مشترک است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، زیارت عاشورا، سلام، لعن، بینامتنیت.



*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (givi.1398@gmail.com)

۱. مقدمه و بیان مسئله

اهل بیت علیهم السلام به عنوان حامل سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله، یکی از منابع مهم در حدیث ثقلین هستند که ثقل اول یعنی قرآن کریم را تفسیر و تبیین می‌کنند و خود آنان نیز به این دلیل که عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و نزدیک‌ترین افراد به رسول خدا صلی الله علیه و آله از جهت سبب و نسب هستند، علاوه بر تبیین و تفسیر کتاب خدا، برای مسلمانان پس از قرآن کریم، منبعی ارزشمند به‌شمار می‌روند. (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۵/۲)

زیارت عاشورا روایتی از امام باقر علیه السلام است که از قرآن کریم الهام گرفته و قدیمی‌ترین سند آن در کتاب کامل‌الزیارات است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۷۵ - ۱۷۹). سند دیگر آن، کتاب مصباح‌المتهجذ از شیخ طوسی، از محمد خالد طیاسی، از سیف بن عمیره، از صفوان بن مهران، از امام جعفر صادق علیه السلام، از علقمه محمد حضر می، از امام باقر علیه السلام نقل شده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۷۲۲/۲). نیز آیه الله سید موسی شبیری زنجانی، رجالی معاصر و از مراجع تقلید نیز در استفتایی در خصوص صحت سند زیارت عاشورا بحث نموده و اثبات کرده که مورد وثوق همه بزرگان امامیه است و سندش صحیح و مورد اعتماد است. (شبیری زنجانی، ۱۳۸۶/۱۳۰)

بینامتنیت به وضعیتی اشاره دارد که در آن، تمام رخدادها ارتباطی با رخدادهای پیشین دارد. به عبارتی دیگر متن‌ها وابسته به تاریخ و جامعه‌اند (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۵۶). بینامتنیت متن پنهانی است که توسط متون دیگر شکل گرفته است که می‌تواند شامل استقراض و دگرگونی متنی دیگر توسط مؤلف یا ارجاع خواننده به متنی دیگر باشد. ژنت از مشهورترین نظریه‌پردازانی است که انواع روابط بینامتنی را طبقه‌بندی و تحلیل کرده است. بر اساس بینامتنیت، متون ادبی در خلأ خلق نمی‌شوند؛ بلکه هر متنی، هم به لحاظ زبان‌شناختی و هم به جهت معناشناسی، وام‌دار متون قبل از خود است و به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از آن متون الگو می‌گیرد و بهره می‌برد و پیوند ناگسستی با آنها دارد. نظریه بینامتنیت بر این باور است که هر متنی بر پایه متن‌های پیشین خود شکل می‌گیرد. هیچ متنی نیست که کاملاً مستقل تولید یا حتی دریافت گردد. بنابراین در تولید و دریافت یک متن، همواره پیش‌متن‌ها نقش اساسی ایفا می‌کنند؛ به بیان دیگر بدون روابط بینامتنی هیچ متنی خلق نمی‌شود (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۷۵ - ۷۷).

۱-۱. روش و ابزار پژوهش

نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای بر آن است که رابطه بینامتنیت (Text Duality - Inter) را بین قرآن کریم و زیارت عاشورا در خصوص واژه‌های «سلام و تحیت» و نیز واژه «لعن» بیان نماید و به طور مشخص به این سؤال پاسخ دهد که ارتباط محتوایی سلام‌ها و لعن‌های قرآن و سلام‌ها و لعن‌های زیارت عاشورا چگونه تحلیل می‌شود؟

۲-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

زیارت عاشورا دارای مضامین عالی و شامل معارف متنوعی مانند دعا، تَوَلَّى، تَبَرَّى و... است. واقعه کربلا اگرچه نزدیک به ۱۴۰۰ سال پیش رخ داده، ولی برای همیشه این درس را به مؤمنان آموخت که از سویی بگویند: «انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم» (زیارت عاشورا)؛ قطعاً من با سازش کنندگان با تو در سازش و با آنان که با تو در جنگند، می‌جنگم و از سوی دیگر بگویند: «یا لیتنی کنت معکم فأفوز فوزاً عظیماً؛ ای کاش من با شما می‌بودم و به رستگاری عظیم نائل می‌شدم (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۹/۱۰۱). و حتی آرزوی خونخواهی شهدای کربلا را در رکاب امام زمان داشته باشند. بنابراین بر مؤمنان لازم و ضروری است که متعلقین سلام‌های قرآن کریم را بشناسند و بدانند امام حسین علیه السلام یکی از مصادیق اتم و اکمل سلام‌های قرآن است و با صفات انبیا، اولیا، شهدا، صالحان و اتقیا آشنایی پیدا کنند و هرچه بیشتر خود را متخلّق به اخلاق آنان نمایند؛ و همچنین خود را از صفات ملعونان در قرآن دور کنند و این چنین صدق گفتار خود را در زیارت عاشورا اثبات کنند و در این صورت است که زیارت عاشورا با معرفت کامل خوانده می‌شود و آثار معنوی فراوانی را به دنبال خواهد داشت.

۳-۱. پیشینه پژوهش

حسن خرقانی، جواد معین و محمّد اسفندیاری سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان «الگوپذیری خطبه قاصعه نهج البلاغه از قرآن کریم با رویکرد بینامتنیت» با شیوه توصیفی - تحلیلی - تطبیقی نشان دادند که در متن موجود به پیروی از متن پنهان بر اراده قوی برای انجام تکالیف و دستورهای الهی تأکید شده است. از عبارات لفظی قرآن استفاده نشده، بلکه خطبه قاصعه در قالب محتوا و مضمون خود را به قرآن کریم پیوند زده است.

سید محمد امیری و شکوه فورجانی‌زاده سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان «بینامتنیت قرآن در آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی اخلاق ناصری» با واکاوی اخلاق ناصری، اثر خواجه نصیرالدین طوسی با شیوه تحلیلی و روش نقدی بینامتنی، بازتاب آیات قرآن را در این اثر مورد بررسی قرار داده‌اند و با طبقه‌بندی ارزش‌های معنوی، فضایل اخلاقی و ردائل نفسانی نشان می‌دهند که تأثیرپذیری آموزه‌ها از قرآن در بینامتنیت معنایی و مضمونی از قرآن کریم است و الفاظ و عبارات قرآنی در کلام خواجه به وسعت دیده نمی‌شود.

مقاله «بررسی رابطه بینامتنیت قرآن با مناجات خمس عشر» اثر زکیه بیگم در سال ۱۴۰۰ قائل است مناجات خمس عشر هم از نظر ساختاری و هم مضمونی، با تأثیری آگاهانه از آیات قرآنی تنظیم شده است.

علیرضا زکی‌زاده رنانی و سمیه قربانی سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان «بینامتنیت دعای چهارم صحیفه سجاده و قرآن» با روش توصیفی - تطبیقی به این نتیجه دست یافتند که پیوندی دوسویه و تنگاتنگ بین قرآن و کلام امام سجاده علیه السلام برقرار است. چنانچه صحیفه در قالب تناص اجترار و امتصاص و نیز بر اساس بینامتنی مضمونی و لفظی با قرآن رابطه‌ای استوار برقرار کرده و همچنین از تناص حوار در صحیفه پرهیز شده است.

علاوه بر آن بینامتنیت قرآن در دیوان شاعر مقاومت «محمد قیسی» و حدیث در مدیحه نبوی ابن داغر حلّی و در اشعار تعلیمی حافظ شیرازی بر اساس نظریه‌های ناقدان ادبی و... انجام شده است؛ ولی تاکنون رابطه بینامتنی بین قرآن و زیارت عاشورا انجام نشده و ویژگی خاص پژوهش پیش رو آن است که متعلق سلام را که یکی از اسماء حسنا الهی است، در زیارت عاشورا و قرآن مشخص نموده است و به تبیین هر کدام از سلام‌ها و لعن‌ها در قرآن و متعلق آنها و به دنبال آن، تبیین رابطه بینامتنی با زیارت عاشورا پرداخته است.

۱-۴. اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، بررسی و تعیین رابطه معنایی بین سلام‌ها و لعن‌های زیارت عاشورا و سلام‌ها و لعن‌های قرآن کریم است و اهداف جزئی شامل: توصیف متعلقین سلام در قرآن و زیارت عاشورا و توصیف متعلقین لعن در قرآن و زیارت عاشورا است.

۲. مفهوم‌شناسی سلام و لعن

۱-۲. مفهوم سلام در قرآن

سلام به معنای تحیت و از ریشه «س ل م» یکی از دو مصدر باب تفعیل به معنای سالم بودن از هر گونه عیب و نقص است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶/۳۴۲ «سلم»).
اطلاق سلام بر خدا، به این معناست که ذات خداوند از هر عیبی، صفاتش از هر نقصی و افعالش از هر شری مصون است (غزالی، ۱۳۷۵: ۵۷) و به واسطه آن صفات پیراسته از عیب، رحمت، عطف و کرم وی متجلی می‌شوند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۵/۱۹۲، «سلم»).
بر اساس روایتی از پیامبر اکرم ﷺ سلام یکی از ۹۹ اسم خداست که هرکس آن‌ها را بشمارد، بهشت بر او واجب می‌شود (ترمذی، ۱۴۱۹: ۵/۱۹۲). از این رو پیامبر اکرم ﷺ مسلمانان را به افشای سلام در میان خودشان سفارش کرده است (نوری، ۱۴۰۸: ۸/۳۶۲). همچنین بر پایه روایتی حضرت می‌فرماید: «ان الله هو السلام» (نیشابوری، ۱۴۱۲: ۴/۱۲۲). ایشان پس از نماز، سه مرتبه این دعا را می‌خواند: «اللهم انت السلام و منك السلام تبارکت یا ذالجلال و الاکرام» (نیشابوری، ۱۴۱۲: ۵/۹۳). سلام به عنوان اسم خدا تنها یک بار به صراحت در قرآن یاد شده است: «هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن» (حشر: ۲۳).

۲-۲. عوامل سلام

سلام یکی از اوصاف خداوند است (حشر: ۲۳). خدا سلام است؛ یعنی بندگان از ظلم او در امان هستند (طوسی بی‌تا: ۵۷۴/۹) و خدا از هر آفت و نقصی به دور است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵/۱۶۰). این وصف خدا موجب آرامش و احساس امنیت در رابطه انسان با خداست (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۲/۱۳۶). سلام مظهر رحمت خداوند است که فقط شامل مؤمنان است (انعام: ۵۴)

عوامل سلام ابتدا مربوط به حیطة شناختی و عقیدتی است و سپس در حیطة عمل سرایت می‌کند و مشمول سلام می‌شود.

۱-۲-۲. عامل اعتقادی سلام

ایمان، تنها عامل اعتقادی سلام است. ایمان در لغت از ریشه «أمن» به معنای طمأنینه



و زوال ترس و در مقابل کفر است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۸۸/۸) و به معنای تصدیق نیز آمده است (همو: ۳۸۸/۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰) و جایگاه ایمان قلب است (حجرات: ۱۴) و امری اختیاری است که با عمل صالح همراه بوده و قابل کاهش و افزایش است (انفال: ۲؛ انعام: ۸۲)، خواه ایمان مطلق باشد (نحل: ۹۷) و با ایمان به خدا و روز قیامت باشد (بقره: ۶۲) و نیز ایمان به آنچه به پیامبر نازل شده (محمد: ۲) و کسانی را که خشنودی او را بجویند، به راه‌های سلام راهبری می‌کند و آنان را به خواست خود از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند (مائده: ۱۶، ترجمه محمد علی کوشا: ۱۴۰۲ ش) و آن راه‌های سلامت است که خداوند بندگان خویش را به آن فرا می‌خواند و آن همان اسلام است (طبرانی، ۲۰۰۸: ۲/۳۷۲) و به پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد که به مؤمنان سلام کند (انعام: ۵۴).

۲-۲-۲. عوامل رفتاری سلام

تعدادی از سلام‌های قرآن به دلیل رفتار و عملکرد مؤمنان است.

۲-۲-۲-۱. صبر

سلام بر شما به پاداش آنچه شکیبایی ورزیدند... (رعد: ۲۴) و بندگانم که در راه من جهاد کردند و مورد آزار و اذیت قرار گرفتند؛ پس ملائکه از هر دری برآنان وارد می‌شوند و می‌گویند سلام بر شما به خاطر پایداری که کردید (طبری، ۱۴۱۲: ۴/۱۴۳) علاوه بر آن در خانه‌های بهشتی با درود و سلام روبه‌رو می‌شوند (فرقان: ۷۵) و تحیت اعم از سلام است و سلام خاص است و در آیه هر دو را آورده است (عسکری، ۱۴۲۸: ۲۵۶).

۲-۲-۲-۲. تقوا

آنان که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، گروه‌گروه به سوی بهشت برده شوند؛ ... بهشت بانان به آنان گویند: سلام بر شما، خوش آمدید. و آن سلام از بهشت و ارواح قدسی و ملکوت آسمانی است و آنان را از آفت و نقص و بلا در امان می‌دارد (ابن عربی، ۱۴۱۰: ۲/۲۰۷).

۳-۲-۲. عمل صالح

آنان را نزد پروردگارشان خانه سلامت است و به پاداش آنچه می‌کرده‌اند، یار و سرپرست آنان خواهد بود (انعام: ۱۲۷) و هیچ سختی و رنجی به آنان نمی‌رسد و سلام بر شما به پاداش عملتان به بهشت درآید (نحل: ۴۲) و آنان خویش را از کفر و ظلم و همه گناهان پاک نموده‌اند

و از این پس هیچ‌گونه امر ناپسندی به آنان نخواهد رسید (بیضاوی ۱۴۱۸: ۲/۲۲۵) و درود بر آن کسی که از هدایت الهی پیروی کند (طه: ۴۷) و این درود، کنایه از این است که عذاب بر کسی است که حق را تکذیب کرده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ۸/۴۰۵).

۲-۲-۴. رسالت و پیامبری

یکی از عوامل مهم رفتاری سلام، انجام پذیرفتن رسالت الهی و مسئولیت پیامبری است. سلام بر او (حضرت یحیی) روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود (مریم: ۱۵)؛ به این معنا که از تولد تا مرگ و تا قیامت از شرّ شیطان و از فزع اکبر در امان خواهد بود (طبری، ۱۴۱۲: ۱۶/۴۴) و سلام بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که برانگیخته می‌شوم (مریم: ۳۳). در این آیه حضرت عیسی علیه السلام خود را ستایش می‌کند، پس مشخص می‌شود که انسان مُجاز است خود را به صفات نیکو بازتعریف کند به شرطی که به قصد معرفی باشد، نه به قصد تفاخر (طبرسی، ۱۴۱۳: ۷/۷۹۳).

سلام بر نوح در میان جهانیان (صافات: ۷۹) و سلام بر ابراهیم (صافات: ۱۰۹)؛ یعنی سلامت برای او و فرزندش در دنیا و آخرت است (بقائی، ۱۴۲۷: ۶/۳۳۰) و سلام بر موسی و هارون (صافات: ۱۲۰) و سلام بر آل یاسین (صافات: ۱۳۰) و سلام از سوی خداوند عبارت از عطا و بخشش و سلامتی و نعمت‌های گوناگون در بهشت است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۲/۲۴۷) و سلام بر فرستادگان الهی (صافات: ۱۸۱) به خاطر تبلیغ رسالت (سمرقندی، بی تا: ۳/۱۵۵).

۲-۲-۵. سلام بر اهل بهشت

درودشان در آنجا سلام است (یونس: ۱۰)؛ تحیت آنها در آنجا سلام است یعنی به سلامت می‌مانند و از آن چیزی که اهل دوزخ به آن مبتلا شده‌اند، در امان هستند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱/۶۳). در آنجا سخن گناه‌آلود و بیهوده‌ای نمی‌شنوند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۳۱) و به سلام بر اهل بهشت اشاره می‌کند (واقعه: ۲۶).

۲-۲-۶. سلام به معنای سلامتی

گفته شد: ای نوح! با درودی از ما و برکت‌هایی بر تو و گروه‌هایی که با تو هستند، از کشتی فرود آی (هود: ۴۸). نوح قبل از هبوط در ضیافت الهی بود و مصالح او رعایت شده و اگر او



و همراهانش مشمول لطف خدا نمی‌شدند، کشتی در آن توفان متلاشی می‌شد (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۷/۲۱۲) و به آتش گفتیم بر ابراهیم سرد و بی‌گزند باشد (انبیاء: ۶۹) و اگر به دنبال برداً، سلاماً را بیان نمی‌کرد، ابراهیم از سرمای آن جان می‌سپرد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۲۳) و آن شب تا دمیدن سپیده‌دم، آکنده از سلامت است (قدر: ۵) و سلام به لطف و عنایت الهی که شامل بندگانی می‌شود که به سوی او روی آورده‌اند و از کید شیاطین در امان خواهند بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۳۰/۲۰).

۷-۲-۲. سلام جدایی

ابراهیم گفت: بدرود! به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می‌خواهم (مریم: ۴۷). این سلام، سلام جدایی و خداحافظی است؛ یعنی جهت حق‌پداری، نافرمانی نمی‌کنم و تورا ترک می‌کنم (طبرسی، ۱۴۱۳: ۷۹۷/۶). و از آنان درگذر و بگو درود! این سلام یعنی مدارا و متارکه و به معنای تحیت و احترام نیست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۷/۲۲) و نیز به سلام متارکه اشاره دارد (قصص: ۵۵).

مجموعه سلام‌های قرآنی در جدول زیر، همراه با متعلق و علت سلام آمده است:

شماره	متن آیه	آدرس	متعلق	علت
۱	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا صَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَصَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	(نساء: ۹۴)	الَّذِينَ آمَنُوا	اعلام صلح و آشتی
۲	يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ	(مائده: ۱۶)	مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ	پیگیری خشنودی خدا
۳	وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُمْ وَلِيَهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	(انعام: ۵۴)	الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا	رحمت الهی
۴	لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُمْ وَلِيَهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	(الأنعام: ۱۲۷)	لقوم يذكرون	به دلیل عملکردشان

۵	وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ	(الأعراف: ٤٦)	أَصْحَابَ الْجَنَّةِ	به دلیل سیمای بهشتی آنان
۶	دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ	(یونس: ۱۰)	تَحِيَّتُهُمْ (الذین امنوا)	ایمان و عمل صالح
۷	وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ	(یونس: ۲۵)	الناس	هدایت به صراط مستقیم
۸	قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ	(هود: ۴۸)	حضرت نوع ﷺ	برکات الهی
۹	وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامًا فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ	(هود: ۶۹)	۱. حضرت ابراهیم ۲ - رسلنا	۱- پیامبری حضرت ابراهیم ۲ - مهمانان ابراهیم
۱۰	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ	(الرعد: ۲۴)	والذین صبروا	صبر و پایداری
۱۱	وَأَدْخَلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ	(ابراهیم: ۲۳)	الَّذِينَ آمَنُوا	ایمان و عمل صالح
۱۲	ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ	(حجر: ۴۶)	متمقین	داشتن تقوا
۱۳	إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ	(حجر: ۵۲)	حضرت ابراهیم	وارد شدن بر پیامبر
۱۴	الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ	(نحل: ۳۲)	المتقین	عمل صالح

پیامبری خدا	حضرت یحییٰ <small>علیه السلام</small>	(مریم: ۱۵)	وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيَا	۱۵
پیامبری خدا	حضرت عیسی	(مریم: ۳۳)	وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيَا	۱۶
بزرگواری حضرت ابراهیم و استغفار او از خدای مهربان	ازر پدر (عموی) ابراهیم	(مریم: ۴۷)	قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا	۱۷
عدم شنیدن لغو	عباده (عبادالرحمن)	(مریم: ۶۲)	لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بَكْرَةً وَعَشِيًّا	۱۸
پیروی از هدایت	مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى	(طه: ۴۷)	قَدْ جِئْنَاكَ بَيِّنَاتٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى	۱۹
اراده الهی	نَاذُ (عَلَى) إِبْرَاهِيمَ	(انبیاء: ۶۹)	قُلْنَا يَا نَاذُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ	۲۰
مردم‌داری عبادالرحمن	الْجَاهِلُونَ	(فرقان: ۶۳)	وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا	۲۱
صبر	أُولَئِكَ (مُتَّقِينَ)	(فرقان: ۷۵)	أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلْقُونَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا	۲۲
برگزیدگی بندگان	عبادالله	(نمل: ۵۹)	قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرًا مَّا يَشْرِكُونَ	۲۳
دوری از لغو	جاهلین	(قصص: ۵۵)	وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ	۲۴

۲۵	تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا	(احزاب: ۴۴)	المؤمنين	ایمان
۲۶	سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ	(یس: ۵۸)	اصحاب الجنة	بهشتی بودن
۲۷	سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ	(صافات: ۷۹)	حضرت نوح <small>علیه السلام</small>	برگزیدگی و پیامبر خدا بودن
۲۸	سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ	(صافات: ۱۰۹)	حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>	نیکوکاری و صبر
۲۹	سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ	(صافات: ۱۲۰)	حضرت موسی <small>علیه السلام</small> و هارون	برگزیدگی موسی و یاریگری هارون
۳۰	سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ	(صافات: ۱۳۰)	آل یاسین	ایمان و نیکوکاری آل یاسین
۳۱	وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ	(صافات: ۱۸۱)	علی المرسلین	فرستاده خدا بودن
۳۲	وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ	(زمر: ۷۳)	الَّذِينَ اتَّقَوْا	تقوا
۳۳	فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ	(زخرف: ۸۹)	عَنْهُمْ (قوم لا يومنون)	(به درود) ایمان نیاوردن
۳۴	ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ	(ق: ۳۴)	من خشى	خشیت در

مقابل خدای رحمن	الرحمن بالغیب و...			
وارد بر مورود	۱- حضرت ابراهیم ۲- ضیف ابراهیم	(ذاریات: ۲۵)	إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ	۳۵
پیش‌گامی در خیر و قرب الهی	السابقون، المقربون	(واقعة: ۲۶)	إِلَّا قِيَلًا سَلَامًا سَلَامًا	۳۶
نیک بختی (اصحاب یمین بودن)	أَصْحَابِ الْيَمِينِ	(واقعة: ۹۱)	فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ	۳۷
یکی از اسمای حسنای الهی	الله سبحانه وتعالی	(حشر: ۲۳)	هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ	۳۸
چون فرشتگان و روح در آن شب نازل می‌شوند	هی (لیلة القدر)	(قدر: ۵)	سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ	۳۹

جدول شماره ۱: سلام در قرآن کریم

۳-۲. مفهوم تحیت در قرآن

تحیت یعنی سلام، درود، شادباش، تهنیت و نظایر آن. این کلمه از ریشه «حیات» است و شش بار در قرآن مجید به کار رفته است. لغویان آن را به معنای طلب بقا و آرزوی زندگی (در مقام دعا برای کسی) گرفته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱۶/۱۴؛ راغب، ۱۳۶۹: ۲۶۸). اصل تحیت دعا به حیات است، به معنای دعا برای حیات دیگری کردن، خواه این دعا به صورت سلام علیک (خداوند تو را به سلامت دارد) و یا حیاک الله (خداوند تو را زنده بدارد) و یا مانند آن باشد که سپس بر اثر کثرت استعمال به مطلق دعا گفته شده؛ ولی معمولاً از این کلمه هر نوع اظهار محبتی را که افراد به وسیله سخن، با یکدیگر می‌کنند شامل می‌شود که روشن‌ترین مصداق آن همان موضوع سلام کردن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۳/۴).

۱-۳-۲. وجوب ردّ تحیت به أحسن

از جمله مواردی که تحیت در قرآن آمده، وجوب ردّ تحیت به احسن است (نساء: ۸۶) کما این که ترک کردن محرمات و انجام دادن واجبات حسابرسی می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۹۴/۲).

۲-۳-۲. سلام گفتن هنگام ورود

خداوند در سوره نور می‌فرماید: هنگامی که به خانه‌ها وارد می‌شوید، بر یکدیگر سلام کنید؛ که درودی پر خیر و برکت و پاکیزه و خوشایند از نزد خداست (نور: ۶۱). این تحیت ضروری‌ترین و پاکیزه‌ترین چیزی است که در ملاقات دو نفر برقرار می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۲/۱۵).

۳-۳-۲. درود و تحیت بهشتیان

درود بهشتیان در روزی که به لقاء الهی نائل شوند سلام است (احزاب: ۴۴) که دلیل بر سلامتی آنان از همه آفات و بلاهاست (کاشانی، ۱۳۶۳: ۴۶/۳). همچنین این تحیت به اهل بهشت تعلق دارد (یونس: ۱۰؛ ابراهیم: ۲۳؛ فرقان: ۷۵).



آیات تحیت‌های قرآن کریم در جدول زیر آمده است:

شماره	متن آیه	آدرس	متعلق	علت
۱	وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا	(نساء: ۸۶)	مردم و مؤمنان	رد تحیت
۲	دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	(یونس: ۱۰)	بهشتیان	احترام و ابراز محبت به یکدیگر
۳	وَأَدْخِلِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ	(ابراهیم: ۲۳)	بهشتیان	احترام و ابراز محبت به یکدیگر
۴	فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِمَّنْ عِنْدَ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ	(نور: ۶۱)	انفُسِكُمْ كَسَانِ خودتان	فرمان خدا مبنی بر بابرکت و پاکیزه بودن تحیت
۵	أُولَئِكَ يَجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيَلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا	(فرقان: ۷۵)	بهشتیان	به خاطر صبرشان
۶	تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا	(احزاب: ۴۴)	بهشتیان	ایمان

جدول شماره ۲: تحیت در قرآن کریم

۴-۲. لعن در قرآن کریم

لعن اگر از طرف خدا باشد، به معنای راندن، دور کردن از رحمت و غضب کردن است و اگر از طرف مردم باشد، به معنای دعای منفی و نفرین کردن و همان لعنت مصطلح است (راغب، ۱۳۶۹: ۷۴۱؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۹۵/۶). بر این اساس، راندن، دور شدن و دور کردن از رحمت خویش معنای اصلی لعن است. مشتقات این کلمه، در قرآن کریم به صورت‌های لعنة (مصدر یا اسم مصدر)؛ لعن، لعنت، لعنا (ماضی معلوم)؛ یلعن، یلعن، نلعن (مضارع معلوم)؛ العن (امر معلوم)؛ لعن، لعنوا (ماضی مجهول)؛ لاعنون (اسم فاعل)؛ ملعونین، ملعونة (اسم مفعول) ذکر شده است.

۲-۴-۱. ملعون شدن به دلیل کفر

خدا آنها را به سبب کارشان لعنت کرده است (بقره: ۸۸). آنان با وجود فطرت حقیقت‌جوی الهی‌شان بر کفر اصرار ورزیدند و خدا نیز آنان را خوار و خفیف نمود و استعداد فطری آنان را باطل کرد و در نهایت ملعون و مطرود شدند (جزایری، ۱۳۸۸: ۹۷/۱) بر اساس آیات متعدد بیشتر کفار، اهل کتاب بودند و با این که به حقانیت دین اسلام آگاه بودند، ولی کفر ورزیدند (بقره: ۸۹ و ۱۵۹. برای مشاهده دیگر آیات، ر.ک: جدول شماره ۳).

۲-۴-۲. لعن به دلیل شرک و نفاق

مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می‌برند، عذاب می‌کند... و مورد لعنت قرار می‌دهد و برایشان دوزخ آماده می‌سازد؛ و چه بد سرانجامی است (فتح: ۶)؛ چون هیچ‌گونه آرامش و آسایشی در آن‌جا نخواهد بود (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۴۶/۱۲).

۲-۴-۳. لعن به دلیل قتل عمد مؤمن

هر کس مؤمنی را به عمد بکشد، سزایش جهنم است که همیشه در آن خواهد ماند، و خدا بر وی خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند (نساء: ۹۳).

۲-۴-۴. لعن به دلیل ظلم کردن و دروغ بستن به خدا

گواهان گویند: اینان کسانی‌اند که به پروردگارشان دروغ می‌بستند. هان! لعنت خدا بر ستمکاران باد! (هود: ۱۸) گواهی گواهان باعث می‌شود که هیچ دلیل و بهانه‌ای نتوانند بیاورند و مفرّی از لعنت خدا و عذاب او نخواهند داشت (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲۲۱/۴).

۲-۴-۵. لعن به دلیل تهمت زدن به زنان پاک‌دامن

همانا کسانی که به زنان پاک‌دامن باایمان بی‌خبر [از فحشا]، نسبت زنا می‌دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود (نور: ۲۳)؛ زیرا قذف گناهی نابخشودنی است و لعن و نفرین به دنبال دارد (طبرانی، ۲۰۰۸: ۴۵/۴).

۲-۴-۶. لعن به اقوام گذشته به دلیل ستمکاری

یهودیان گفتند: دست خدا [در عطا و بخشش] بسته است، دست خودشان بسته باد و به کیفر گرفتارشان لعنت شدند (مائده: ۶۴). خداوند نعمت بسیار بر یهودیان ارزانی داشته بود؛ اما وقتی با پیامبر مخالفت کردند، گرفتار فقر شدند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۳۹/۳).



واژه لعن در ۳۴ آیه به کار رفته است که متعلق آن، کفار، دروغگویان، آن دسته از اهل کتاب که وصف پیامبر خاتم ﷺ در کتابشان آمده بود، ولی به اسلام نگر ویدند، بت پرستان، قوم یهود، ستمگران، منافقان، کفار، قوم عاد، پیمان شکنان و آنان که به زنان پاک دامن تهمت می زنند و همچنین ابلیس و آنان که به خدا و رسول او آزار می رسانند و نیز کسانی که سوء ظن به خدا دارند و مورد لعن و نفرین خدا و بندگان مؤمن خدا واقع شدند و از رحمت خدا فاصله گرفتند و در قیامت، در بدترین جایگاه جهنم مأوا خواهند داشت.

شماره	متن آیه	آدرس	متعلق	علت
۱	وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ	(بقره: ۸۸)	کفار	کفر و انکار
۲	الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ	(بقره: ۸۹)	کفار	کفر و انکار پس از شناخت حق
۳	إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ	(بقره: ۱۵۹)	کفار	کتمان و پوشاندن نشانه های روشن و راه هدایت
۴	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ	(بقره: ۱۶۱)	کفار	مرگ در حالت کفر،
۵	فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَأَبَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَتَّلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ	(آل عمران: ۶۱)	کاذبین	مواجهه و چون و چرا کردن با پیامبر ﷺ
۶	أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ	(آل عمران: ۸۷)	کفاری که ابتدا به حقانیت قرآن و	کفر ورزیدن پس از ایمان و روشن شدن حق

	پیامبر ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند			
۷	یهودیانی که تحریف در کلمات ایجاد می کنند و با زبانشان به دین (اسلام) طعنه می زدند	کفار (نساء: ۴۶)	مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهِ... وَلَكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا	
۸	حاضر نشدند که به قرآن ایمان بیاورند، در حالی که تصدیق کننده کتاب آنان بود	اهل کتاب (نساء: ۴۷)	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَتَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا	
۹	کسانی که بهره کمی از کتاب داشتند و به بت و طاغوت ایمان می آوردند	کفار را هدایت یافته تر از مؤمنان می دانند (نساء: ۵۲)	أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ نَجِدَ لَهُ نَصِيرًا	
۱۰	قتل عمد مؤمن	قاتل مؤمن (نساء: ۹۳)	وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَعَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا	
۱۱	اغوا و فریب بندگان خدا	شیطان (نساء: ۱۱۸)	لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَا تَخِذَنَّ مِنَّ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا	
۱۲	نقض و شکستن پیمان	کفرورزان از بنی اسرائیل (مائده: ۱۳)	فِيمَا نَقَضُوا مِيثَاقَهُمْ لَعَانَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهِ...	

عیب‌جویی از مؤمنین و فسق و فجور	اهل کتاب	(مائده: ۶۰)	قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِمَّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ	۱۳
به علت این که گفتند: دست خدا بسته است (یدالله مغلوله)	قوم یهود	(مائده: ۶۴)	وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلِجُنُوبِهِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ	۱۴
به علت عصیان و تجاوز	کافران بنی اسرائیل	(مائده: ۷۸)	لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ	۱۵
استکبار در مقابل پروردگار، کفر ورزیدن و دروغ بستن به خداوند	گروهی جهنمی هنگام دخول در آتش، گروه دیگر را لعنت می‌کنند	(اعراف: ۳۸)	قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا	۱۶
بازداشتن مردم از راه خدا و کج نشان دادن آن و کفر ورزیدن به آخرت	ظالمان	(اعراف: ۴۴)	وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ	۱۷
نفاق و کفرورزی	زنان و مردان منافق و کفار	(توبه: ۶۸)	وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَاللَّهُمَّ عَذَابٌ مُّقِيمٌ	۱۸
ظلم و دروغ بستن به خدا	ظالمان	(هود: ۱۸)	وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ	۱۹

کفر و انکار آیات خدا و نافرمانی از رسولان الهی و فرمان برداری از زورگویان ستیزه جو	قوم عاد	(هود: ۶۰)	وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ	۲۰
ظلم و ستم	فرعون و قوم او	(هود: ۹۹)	وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بَنِي الرَّفِدَاءِ الْمَرْفُودِ	۲۱
پیمان شکنی و قطع صلح و رحم و....	عهد شکنان پس از پیمان بستن با خدا و قطع کنندگان ارتباط با کسانی که خدا فرمان به پیوند با آنها داده است	(رعد: ۲۵)	وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ	۲۲
سرباز زدن از فرمان خدا مبنی بر سجده بر آدم	ابلیس	(حجر: ۳۵)	وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ	۲۳
کسی که تهمت زنا به همسر خویش می زند	کاذبین	(النور: ۷)	وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ	۲۴
تهمت زنا	تهمت زنانندگان به زنان پاک دامن	(نور: ۲۳)	إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ	۲۵
ظلم و استکبار	فرعون و قومش	(قصص: ۴۲)	وَأَتَّبِعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ	۲۶



۲۷	وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ لَّيَعْنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن تَأْوِيلٍ	(عنکبوت: ۲۵)	قوم ابراهیم ﷺ نسبت به همدیگر	بت پرستی و محبت قوم نسبت به یکدیگر در دنیا
۲۸	إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا	(احزاب: ۵۷)	آزاررسانان به خدا و رسولش	به دلیل آزار به خدا و رسول
۲۹	إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَاْفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا	(احزاب: ۶۴)	کافران	کفر و حق پوشی
۳۰	رَبَّنَا آتِنِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا	(احزاب: ۶۸)	کافران	اطاعت بزرگان و مهتران خود
۳۱	وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ	(ص: ۷۸)	ابلیس	استکبار و کفرورزی
۳۲	يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذَرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ	(غافر: ۵۲)	ظالمان	کفر و ظلم
۳۳	أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ	(محمد: ۲۳)	فرمان خدا را اطاعت نکردند	کسانی که سرباز زدن از جهاد و اوامر خدا و رسول
۳۴	وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا	(فتح: ۶)	زنان و مردان مشرک و منافق و دارای سوء ظن به خدا	شُرک و نفاق و سوء ظن به خدا

جدول شماره ۳: لعن در قرآن کریم

۱. سلام در زیارت عاشورا و رابطه بینامتنی آن با سلام در قرآن

امام سجاد علیه السلام یکی از شاهدان عینی نبرد نابرابر عاشورا و شهادت پدر بزرگوار و برادران و یاران امام حسین علیه السلام بود و پس از آن روز دهشتناک، همراه عمه بزرگوارش زینب کبری علیها السلام و زنان و کودکان خردسال در اسارت بود؛ لذا خاطره غم‌انگیز کربلا و پس از آن را هرگز فراموش نکرد و سال‌های متمادی سوگوار و محزون بود. چون در زمان امام سجاد علیه السلام اختناق شدید اجتماعی و سیاسی در جامعه حاکم بود، امام علیه السلام برای بیان حقایق و آگاهی بخشیدن به جامعه اسلامی، زبان دعا و مناجات را برگزید.

فرزند خردسال ایشان امام باقر علیه السلام در حادثه کربلا حدود چهارساله بود و بی‌شک خاطره تلخ حادثه دردناک عاشورا آن هم در سن کودکی که با تمام وجودش عجین شده بود، برای ایشان فراموش ناشدنی بود. از طرفی شرایط سیاسی جامعه در دوران امامت امام باقر علیه السلام تا حدودی مساعد شده بود، لذا ایشان برای معرفی شهدای کربلا و ماندگاری آن واقعه جانسوز، زیارت عاشورا را با سلام بر قهرمانان آن و لعن بر مسببان آن جنگ نابرابر و ظالمانه، از خود به جای گذاشت تا خاطره جان‌فشانی اصحاب کربلا و ظلم و جور غاصبان حکومت و یزید بن معاویه برای بشریت به ویژه عموم مسلمانان جهان ماندگار شود.

در زیارت عاشورا ضمن تشریح واقعه جانگداز کربلا، به جدش امام حسین علیه السلام و یاران باوفایشان سلام و درود می‌فرستد؛ سلامی که برگرفته از قرآن کریم است و به متقین و صابران و هدایت‌یافتگان گفته می‌شود؛ چرا که امام حسین علیه السلام، فرزندان و یاران ایشان مصادیق کامل تقوای پیشگان و صابران و صالحان و عباد الرحمن هستند. علاوه بر آن، وجود حضرت حسین بن علی علیه السلام، الگوی جان‌فشانی در راه حق است. بنابراین سلام‌های زیارت عاشورا بر امام حسین علیه السلام و کسانی که خون خود را برای تحقق حق نثار کردند (الذین بذلوا مهجهم دون الحسين علیه السلام)، همگی هدایت‌یافتگان قرآن کریم بودند.

سلام‌ها نیز از جنس سلام‌های قرآن کریم است. آنان به دنبال رضایت خدای خویش بودند که تقوا پیشه کردند و به جز رضوان الله مطالبه‌ای نداشتند و آخرین خواسته‌شان سپاس‌گزاری از پروردگار جهانیان بود. آنان برگزیدگان الهی بودند و با بردباری همه وجود خود را در راه خدا بذل و بخشش نمودند. اصحاب کربلا و در رأس آنان امام حسین علیه السلام تمام اعمال و رفتارشان برگرفته از تعالیم قرآن کریم بود و سلام‌های زیارت عاشورا رابطه تنگاتنگ بینامتنی با قرآن کریم دارد.



۴. لعن در زیارت عاشورا و رابطه بینامتنی آن با لعن در قرآن

لعن شدگان در زیارت عاشورا، دنیاطلبانی هستند که برای رسیدن به عیش و نوش ناپایدار دنیا شعله جنگی نابرابر علیه شریف‌ترین و پاک‌ترین انسان‌ها یعنی امام حسین علیه السلام و یاران باوفای ایشان افروختند. قساوت قلب و فرومایگی جنگ‌طلبان دنیاخواه باعث شد که دست به هر جنایتی بزنند تا نور حق طلبی امام حسین علیه السلام را خاموش کنند؛ اما از این حقیقت غافل بودند که خداوند، نور خود را به بالاترین و تمام‌ترین درجه می‌رساند، اگر چه کافران مسلمان‌نما، کراهت داشته باشند و خوشایندشان نباشد: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (صف: ۸). لذا پس از آن جنایت شنیع کوفیان - که تمام هستی را ملتهب و داغدار نمود -، خداوند نور حقانیت امام حسین علیه السلام و یاران فداکارشان را در بهانه تاریخ بشریت ماندگار می‌کند، و جبهه باطل را مورد قهر و غضب و نفرت و لعنت مدام قرار می‌دهد. در واقع لعن‌های مکرر در زیارت عاشورا رابطه بینامتنیت با لعن‌های بیان‌شده بر ظالمان در قرآن دارد.

چنان که بیان شد، منخرج مشترک تمامی لعن‌شدگان در قرآن کریم، ظلم و جور و استبداد است و چه ظلمی عظیم‌تر و شنیع‌تر از ریختن خون فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله که پیام‌آور صلح و اصلاح و زندگی عزتمندانه بود؛ لذا یکی از مصادیق مهم لعن در قرآن، ظالمان سفاک و قاتلان امام حسین علیه السلام و یاران ایشان است و لعن‌های زیارت عاشورا برگرفته و متأثر از لعن‌های قرآن کریم است که آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾ (بقره: ۱۵۹) به آن اشاره دارد.

نتیجه‌گیری

همچنان که ادیان الهی مصدق و مؤید یکدیگرند، متون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری همانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته و رابطه بینامتنی دارند. به عبارت دیگر، هیچ متنی بدون تأثیرپذیری از متن پیش از خود خلق نمی‌شود. این رابطه نیز بین مصنوعات بشری و مخلوقات الهی در کتاب تکوین به چشم می‌خورد. به طور نمونه، ساخت هواپیما بدون الهام گرفتن از پرواز پرندگان و ساخت کشتی بدون الهام گرفتن از حرکت آبزیان در آب برای بشر میسر نبود. همه مخترعان با الهام از مصنوعات الهی یا بشری توانسته‌اند به خلق جدید و اختراعی نو نایل آیند.



زیارت عاشورا نیز که یک متن دینی است و از امام باقر علیه السلام روایت شده است، رابطه بینامتنی و زبان شناختی با متن پیش از خودش یعنی قرآن کریم دارد. سلام‌های آن با سلام‌های کتاب خدا همخوانی دارد و متعلق سلام‌ها در قرآن کریم و زیارت عاشورا، انسان‌های تکامل یافته‌ای هستند که ایمان، تقوا، صبر و تسلیم حق بودن سرلوحه زندگی‌شان است. امام حسین علیه السلام و یاران فداکار ایشان مصادیق کامل متعلق سلام‌های قرآن و سلام‌های زیارت عاشورا هستند؛ همچنان که لعن‌شدگان در قرآن و زیارت عاشورا ظالمانی هستند که طالب دنیا و زرق و برق و لذایذ زودگذر آند و برای رسیدن به آن، دست خود را به هر جنایتی آلوده می‌سازند. مصداق‌های کامل لعن‌های قرآن و زیارت عاشورا یزید و پیروانش هستند که داستان خود را به خون امام حسین علیه السلام و یارانش آلوده کردند و در نتیجه در پهنه تاریخ روسیاه شدند و مورد لعن و نفرین خدا و خلق خدا قرار گرفتند.

کتاب‌نامه

* قرآن کریم.

۱. ابن عربی، محمد بن علی، (۱۴۲۲ ق)، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ ش)، کامل الزیارات، نجف اشرف: دار المرتضویة.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة و منشورات محمدعلی بیضون، اول.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۵. ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، اول.
۶. آل غازی، عبدالقادر، (۱۳۸۲ ه.ق)، بیان المعانی، دمشق: مطبة الترقی، اول.
۷. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیة و منشورات محمدعلی بیضون، اول.
۸. بروجردی، محمدابراهیم، (۱۳۶۶ ش)، تفسیر جامع، تهران: کتابخانه صدر، ششم.

٩. بقاعى، ابراهيم بن عمر، (١٤٢٧ ق)، نظم الدرر فى تناسب الآيات و السور، بيروت: دارالكتب العلمية و منشورات محمدعلى بيضون، سوم.
١٠. بقلى، روزبهان بن ابى بصير، (بى تا)، عرائس البيان فى حقائق القرآن، بيروت: دارالكتب العلمية و منشورات محمدعلى بيضون، اول.
١١. بيضاوى، عبدالله بن عمر، (١٤١٨ ق)، انوار التنزيل و اسرار التأويل، بيروت: دار احياء التراث العربى، اول.
١٢. ترمذى، محمد بن عيسى، (١٤١٩ ق)، سنن الترمذى، قم: دارالحديث.
١٣. جعفرى، يعقوب، (١٣٧٦ ش)، تفسير كوثر، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، اول.
١٤. حويزى، عبد على بن جمعه، (١٤١٥ هـ.ق)، تفسير نور الثقلين، قم: انتشارات اسماعيليان، چهارم.
١٥. دهقان، اكبر، (١٣٨٧ ش)، نسيم رحمت تفسير قرآن كريم، قم: نشر حرم، اول.
١٦. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، (١٣٦٩ ش)، ترجمه و تحقيق مفردات الفاظ قرآن با تفسير لغوى و ادبى قرآن، تهران: مرتضوى، اول.
١٧. سلطان على شاه، محمد بن حيدر، (١٤٠٨ ق)، بيان السعادة فى مقامات العبادة، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، دوم.
١٨. سلمى، محمد بن الحسين، (١٣٦٩ ش)، حقايق التفسير، تهران: مركز نشر دانشگاهى، اول.
١٩. سيواسى، احمد بن محمود، (١٤٢٧ ق)، عيون التفاسير، بيروت: دار صادر، اول.
٢٠. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر، (١٤٠٤ ق)، الدر المنثور فى التفسير المأثور، قم: كتابخانه آيت الله مرعى نجفى، اول.
٢١. شاه عبدالعظيمى، حسين، (١٣٦٣ ش)، تفسير اثنى عشرى، تهران: نشر ميقات، اول.
٢٢. شبيرى زنجانى، سيد موسى، استفتاء شماره ٤٣٨٣، تاريخ ثبت استفتاء ١٣٨٦/١/٣٠.
٢٣. صادقى تهرانى، محمد، (١٤٠٦ ق)، الفرقان فى تفسير القرآن و السنة، قم: نشر فرهنگ اسلامى، دوم.
٢٤. طباطبايى، محمد حسين، (١٣٧٤ ش)، ترجمه تفسير الميزان، مترجم: محمدباقر موسوى، قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى، هفتم.

۲۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، التفسیر الكبير (تفسیر القرآن العظیم)، اربد: دارالکتاب الثقافی، اول.
۲۶. طبرسی، فضل بن الحسن، (۱۳۷۷ش)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مترجمان: علی عبدالحمیدی، اکبر غفوری، احمد امیری شادمهر و...، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، اول.
۲۷. _____، (۱۳۶۰ش)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: حسین نوری همدانی، تهران: انتشارات فراهانی.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفة، اول.
۲۹. طنطاوی، محمد سید، (۱۹۹۷م)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: نهضة، اول.
۳۰. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ق)، مصباح المتہجد و سلاح المتعبد، بی جا: مؤسسة فقه الشیعه.
۳۱. طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، دوم.
۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة، اول.
۳۳. غزالی، محمد بن محمد، (۱۳۷۵ش)، ترجمه: احمد حواری نسب، بی جا: نشر احسان.
۳۴. فرکلاف، نورمن، (۱۳۹۸ش) ترجمه: روح الله قاسمی، بی جا: اندیشه احسان.
۳۵. فضل الله، محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک، اول.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، بی جا: مؤسسه دار الهجره.
۳۷. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز نشر فرهنگی درس های از قرآن، اول.
۳۸. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیہ.
۳۹. _____، (۱۳۷۵ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، دوم.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، سوم.
۴۱. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، (۱۳۶۳ش)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیہ، اول.

٤٢. كليني، محمد بن يعقوب، (١٤٢٩ق)، الكافي، قم: انتشارات دارالحديث، أول.
٤٣. مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي، (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت: دار إحياء التراث العربي. مركز فرهنگ و معارف قرآن، (١٣٨٢ش)، دائرة المعارف قرآن كريم، قم: نشر بوستان، سوم.
٤٤. مصطفوي، حسن، (١٤٣٠ق)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، بيروت: دار الكتب العلمية و مركز نشر آثار علامه مصطفوي.
٤٥. مغنيه، محمدجواد، (١٤٢٤ق)، التفسير الكاشف، قم: دارالكتاب الاسلامي، أول.
٤٦. مكارم شيرازي، ناصر، (١٣٧١ش)، تفسير نمونه، تهران: دارالكتب الاسلاميه، دهم.
٤٧. ميدي، احمد بن محمد، (١٣٧١ش)، كشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاري)، تهران: اميركبير، پنجم.
٤٨. نامورمطلق، بهمن، (١٣٨٨ش)، «از تحليل بينامتنى تا تحليل بيناگفتماني»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، ش ١٢، ص ٧٣ - ٩٤.
٤٩. نوري، حسين بن محمدتقي، (١٤٠٨ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
٥٠. نهاوندي، محمد، (١٤١٢ق)، نفحات الرحمن في تفسير القرآن، قم: مؤسسة البعثة، اول.
٥١. نيشابوري، مسلم بن حجاج، (١٤١٢ق)، صحيح مسلم، قم: دارالحديث.

